

شهید حسن عالی نژاد



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۴۳/۰۱/۳۱
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۵۹/۰۷/۰۳
محل شهادت	جزیره خارگ
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	دلوار

زندگینامه

در زمانی که دیکتاتوری پهلوی با قدرت و غرور شیطانی شلاق ستم را بر پیکر مردم مبارز و اسلامی ما میزد یعنی در سال ۱۳۴۲ حسن در خانواده ای فقیر و مذهبی در بندر دلواری متولد شد ، حسن نیز مانند همه همسالانش شش سال اول را بدون پی گیری از کوچکترین مسئله تربیتی در کوچه های خاکی دلواری گذراند و در سن شش سالگی به مدرسه رئیسعلی دلواری رفت پس از اتمام تحصیلات ابتدائی برای ادامه به مدرسه راهنمایی دلواری رفت و در آنجا بود که حسن ذهن کنجکاوی و روحیه تسلیم ناپذیری در مقابل کارهای بد را نشان داد و با بعضی افراد که دست به کارهای ناپسند در مدرسه میزدند کلنجار میرفت پس از اتمام تحصیلات راهنمایی برای ادامه تحصیل به خورموج رفت و یکسال آنجا بود پس از آن به بوشهر بازگشت و در هنرستان به تحصیل ادامه داد و یکسال هم آنجا بود ولی پس از آن بعزت وضع خانوادگی نتوانست ادامه تحصیل بدهد و به زادگاهش بندر دلواری برگشت و در کنار پدر برای چرخاندن چرخ خانواده به کار مشغول گشت با سن کمی که داشت ازدواج کرد و در صحنه پر شکوه انقلاب اسلامی حسن مانند همه همسالانش شور و حرارت و تعهد نشان داد و کارهایی در حد خود انجام داد تا اینکه جنگ تحمیلی علیه ایران شروع شد و بسیج در مسجد ولی عصر دلواری تشکیل شد و حسن یکی از فعالین آن بسیج بود در این میان رژیم ددمنش عراق به جزیره خارگ حمله کرد و دولت اسلامی برای کمک به جزیره خارگ از مردم منطقه بخش ساحلی کمک خواست و حسن با وجودی که کم سن و سال بود و تجربه ای در دریانوردی نداشت اولین لبیک گویان به این ندای الهی بود و حسن در راه رضای خدا و برای کمک به مردم جزیره مردانه کمر همت بست و با عزمی پولادین عازم آنجا شد ولی متأسفانه به آنجا نرسید و شربت شهادت نوشید که گوارایش باد به این ترتیب حسن که تنها پسر خانواده خود بود به مهمانی خدا رفت و از خود حسن دختری به جا مانده است که افتخار فرزندان شهید بودن را دارد .

مصاحبه

- ۱- چه کسی نام او را انتخاب کرد و انگیزه او از این انتخاب چه بود ؟ مادرش - به علت همنامی آن با نام ائمه اطهار
- ۲- به چه کسی یا چه کسانی علاقه داشت ؟ (پدر ، مادر ، خواهر ، و ...) به تمام افراد خانواده علاقه نشان می داد
- ۳- به چه چیزهایی بیشتر علاقه داشت ؟ (بازی و تفریح ، کمک به خانواده و ...) به مطالعه و همچنین کار کردن را دوست داشت
- ۴- آیا در دوره ابتدایی مردود و یا ترک تحصیل نموده و علت آن چه بوده است ؟ ایشان دارای استعداد بالایی بودند و همیشه در درسها نمرات عالی می گرفتند
- ۵- رفتار و برخوردش با والدین به چه صورت بود ؟ به پدر و مادر احترام زیادی قائل بود
- ۶- اوقات فراغت خود را بیشتر در چه زمینه های می گذراند ؟ (ورزش ، سینما ، مسجد ، مطالعه ، و ...) به مطالعه کردن علاقه مند بود . وی از کودکی به محافل دینی می رفت
- ۷- میزان علاقه و دیدگاه شهید نسبت به امام خمینی و ولایت فقیه را بیان کنید ؟ ارادات خالصانه ای به حضرت امام خمینی (ره) داشت و هنگام ورود امام به ایران به پیشباز ایشان رفت .
- ۸- آیا اقداماتی برای ازدواج شهید انجام داده بودید ؟ اگر خاطره ای در این مورد دارید بیان کنید ؟ او یک ماه بعد از ازدواج به شهادت رسید و یک دختر با نام سکینه از او به یادگار مانده است
- ۹- عامل تشویق و تحرک اصلی اعزام به جبهه او چه بوده است ؟ علاقه به اسلام و نیز به دستور بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)
- ۱۰- آیا شهید تشییع جنازه شده است ؟ تاریخ و محل دفن و نام گلزار او را بیان کنید ؟ بله ، تاریخ ، بندر دلووار ، بهشت کاظم (گلزار شهدای دلووار)
- ۱۱- از اینکه خانواده معظم شهید هستید چه احساسی دارید ؟ باعث افتخار و خرسندی ماست که عضو کوچکی از اجتماع شاهد هستیم
- ۱۲- شما به عنوان پدر یا مادر شهید چه پیامی ، سخنی با مردم و مسئولین دارید ؟ به عنوان مادر شهید از تمام مردم و مسئولین استدعا دارم که راه شهدای والامقام را ادامه دهند و رهنمود های مقام معظم رهبری را به گوش جان قبول نمایند .

فضایل اخلاقی

=شهید عالی نژاد پرستویی عاشق بود که به دلایلی چون علاقه ی وافر به امام و میهن و مردم مظلوم خارج خانه و کاشانه خود را رها نمود و به دفاع از مردم خارج عازم منطقه گردید این در حالی است که یکماه پیش از دواجش نگذشته بود و تنها فرزند پسر خانواده بود تا جائیکه هنوز مادرش با اشک و غصه از وی یاد می کند . او حتی منتظر تولد فرزندش نماند و سراسیمه برای دفاع از خارج راهی آن جا شد مادرش می گوید ما مغازه ای

ساده داشتیم و حسن برای خرید وسایل مغازه به شیراز می رفت و ما یحتاج مغازه را از آنجا تأمین می کرد تا روزی گفت باید برای خرید به تهران بروم و من تعجب کردم و گفتم چرا به تهران ، مگر در شیراز یافت نمی شود ولی او با هر حيله ای که شد به تهران رفت و در راهپیمایی ها شرکت نمود و موقع برگشت از تهران عکس های زیادی از امام با خود آورده بود . با این ماجرا علاقه ی وی به امام مشخص می شود . آنچنان که می گویند یکی از خصیصه های وی نترسی و شجاعت بود و همیشه از تمسخر دیگران خصوصاً فقیران و افراد بی بضاعت رنج می برد و مایه ی آرامش دلها بود و تسکین دردهای خانواده . خانواده اش می گویند نمی دانیم چه عشقی در وجود وی ریشه دوانیده بود که ما و همسرش را رها نمود و به سوی شهادت رفت .

خاطرات

شهید عالی نژاد در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد ایشان تنها فرزند ذکور خانواده بود در شهریور سال ۱۳۵۹ هنگام شدت جنگ ، آنگاه که مردم از کوچک و بزرگ در تب و تاب دفاع از میهن خود بودند و پدرها دست جوانان خود را گرفته و راهی جبهه ها می کردند . شهید عالی نژاد که هنوز یک ماه از ازدواج وی نگذشته بود نیز لباس رزم پوشیده و راهی میدانهای نبرد گردید در خاطرم هست که یک روز ساعت ۶ بعد از ظهر صدای مہیبی ناشی از انفجار از جزیره ی خارگ به گوش رسید و چند روز بعد بنیاد شهید خبر شهادت برادر حسن عالی نژاد را به خانواده اش رسانید . خاطر نشان می کنم که ثمره ی زندگی مشترک و کوتاه شهید عالی نژاد ، دختری داشت به نام سکینه که انسانی مؤمن و مؤدب هستند و به عنوان یادگار شهید مورد احترام همگان می باشند .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران